



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در این بود که آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر المیزان در تفسیر آیه ۲۰۰ از سوره آل عمران پانزده مطلب در پنجاه صفحه نوشته اند که هر کدام از مطالب در جای خودشان مهم هستند و بحث در این بود که در قران کریم آیات فراوانی داریم که امت اسلامی را در کمال قدرت و عزت و عظمت معرفی کرده که اگر همان طور که قران فرموده میشد دنیای فعلی خیلی بهتر بود و قدرت و عظمت مسلمانان بیش از همه بود و ما نیز می خواهیم بدانیم چرا اهداف عالی ای که قران برای امت اسلام ترسیم و بیان کرده عملی و محقق نشده؟ ایشان برای این موضوع در امر دوازدهم دو علت ذکر کردند؛ اول انواع اختلافات و تفرقه هائی که بین مسلمانان بوجود آمد و باعث ضعف و افول آنان شد و در نتیجه آن اهداف عالی قرانی عملی نشدند که ما یک مقدر را در این رابطه بحث کردیم، دوم انحراف از خط رسالت زیرا پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم حضرت امیر علیه السلام را به عنوان حاکم و امام و خلیفه بعد از خودش معرفی کرد که اگر حضرت و بعد فرزندان یازده گانه ایشان یکی پس از دیگری خلافت را در دست می گرفتند قطعاً وضع اسلام غیر از چیزی است که الان می بینیم پس در همان قدم اول انحراف از خطی که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم برای حکومت مشخص کرده بود بسیار بسیار گران تمام شد و باعث ایجاد عواقب و آثار منفی فراوانی برای مسلمانان شد.

ما نمونه های فراوانی برای ذکر جریان انحرافی در مسئله حکومت بعد از پیغمبر در کتب و قران کریم و نهج

البلاغه و صحیفه سجادیه داریم کتبی مانند احتجاج طبرسی، عیقات الانوار میرحامد حسین، الغدیر علامه امینی، المراجعات سید شرف الدین، معالم المدرستین علامه عسگری.

آنچه در روایات ما وجود دارد این است که اهل بیت علیهم السلام بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم جزء "مستضعفون" قرار گرفته اند لذا از آن حق و حکومت و ولایتی که برایشان قرار داده شده بود محروم و منزوی شدند، اگر در معجم مفهرس بحار الانوار به کلمه "مستضعف" مراجعه کنیم می بینیم که اهل بیت علیهم السلام در بسیاری از روایاتمان به عنوان مستضعف معرفی شده اند مثلاً پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در چند جا فرموده اند: "نحن والله المستضعفون فبکی وقال أنتم المستضعفون من بعدی". و یا: "قال لینی هاشم أنتم المستضعفون بعدی" و یا اینکه فاطمه زهراء سلام الله علیها فرمودند: "یا أبتنا أمسینا بعدک من المستضعفین" و همان خطبه فاطمه زهراء و زینب کبری سلام الله علیهما بهترین دلیل بر این است که بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم چه بر سر اهل بیت ما آمد.

دیروز چند مورد از نهج البلاغه ذکر کردیم و اما موارد دیگری نیز وجود دارد که بر انحراف از خط رسالت بعد از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله دلالت دارند:

اول: ﴿قالوا: لما انتهت إلى أمير المؤمنين عليه السلام أنباء السقيفة بعد وفاة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، قال عليه السلام: ما قالت الأنصار؟ قالوا: قالت: منا أمير ومنكم أمير؛ قال عليه السلام: فهلاًّ اختَجَجْتُمْ عَلَيْهِمْ بِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَصَّى بِأَنْ يُحْسَنَ إِلَى مُحْسِنِهِمْ، وَتُتَجَاوَزَ عَنْ مُسِيئِهِمْ؟ قالوا: وما في هذا من الحجة عليهم؟، فقال عليه السلام: لَوْ كَانَتْ الْإِمَامَةُ (الامارة) فِيهِمْ لَمْ تَكُنْ

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین

الْوَصِيَّةُ بِهِمْ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَاذَا قَالَتْ قُرَيْشٌ؟ قَالُوا: احْتَجَّتْ بِأَنَّهَا شَجَرَةُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: احْتَجُّوا بِالشَّجَرَةِ، وَأَصَاغُوا الثَّمَرَةَ<sup>۱</sup>، ببینید با وجود آن همه تاکید و تصریح و اصرار فروان پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم از اول بعثت تا غدیر خم بر جانشینی حضرت امیر علیه السلام باز به این صورت انحراف پیدا شد.

اشکال و پاسخ استاد حفظه الله: بله زمینه و تباری قبلی بر این مطلب وجود داشته و حدیث قلم و قرطاس دلیل بر همین مطلب می باشد.

دوم: ﴿إِلَى أَهْلِ مِصْرَ، مَعَ مَالِكِ الْأَشْتَرِ لَمَّا وُلَاهُ إِمَارَتَهَا: أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ، وَمُهَيِّمًا عَلَى الْمُرْسَلِينَ. فَلَمَّا مَضَى عَلَيْهِ السَّلَامُ تَنَازَعَ الْمُسْلِمُونَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ. فَوَاللَّهِ مَا كَانَ يُلْقَى فِي رُوعِي، وَلَا يَخْطُرُ بِنَالِي، أَنَّ الْعَرَبَ تَزْعِجُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَلَا أَنَّهُمْ مَنَحُوهُ عَنِّي مِنْ بَعْدِهِ! فَمَا رَاعِنِي إِلَّا أَنْبِيَالُ النَّاسِ عَلَى فُلَانٍ يُبَايِعُونَهُ. فَأَمْسَكْتُ يَدِي حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَةَ النَّاسِ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ، يَدْعُونَ إِلَى مَحْقِ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَخَشِيتُ إِنْ لَمْ أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ أَنْ أَرَى فِيهِ ثَلَمًا أَوْ هَدْمًا، تَكُونُ الْمُصِيبَةُ بِهِ عَلَيَّ أَعْظَمَ مِنْ فَوْتٍ وَلَا يَتَكُمُ الَّتِي إِنَّمَا هِيَ مَتَاعُ أَيَّامٍ قَلِيلٍ، يَزُولُ مِنْهَا مَا كَانَ، كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ، أَوْ كَمَا يَتَقَشَّعُ السَّحَابُ؛ فَتَهَضَّتْ فِي تِلْكَ الْأَحْدَاثِ حَتَّى رَاحَ الْبَاطِلُ وَرَهَقَ، وَاطْمَأَنَّ الدِّينُ وَتَنَهَّنَهُ<sup>۲</sup>.

از این قبیل نمونه ها زیاد داریم که باز هم به عرضتان خواهیم رساند.

<sup>۱</sup> فتح البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، کلام ۶۷، صفحه ۵۱.

<sup>۲</sup> فتح البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، کلام ۶۲، ص ۳۰۷.